



عملیاتی که امام خمینی(ره) آن را «فتح الفتوح» نامید

عملیات طریق القدس، تجلی‌گاه بارز حضور نیروهای مردمی در جبهه‌های جنگ بود که به دنبال پاکسازی جبهه انقلاب از عناصر ضد انقلاب به منصف ظهور رسید.

عملیات طریق القدس، تجلی‌گاه بارز حضور نیروهای مردمی در جبهه‌های جنگ بود که به دنبال پاکسازی جبهه انقلاب از عناصر ضد انقلاب به منصف ظهور رسید. این عملیات تجلی قدرت مردم و نتیجه حضورشان در میدان نبرد بوده و پیروزی در این عملیات، نشان دهنده درستی این روش خاص در سازماندهی نیروها بود. با فتح شهر بستان نزدیک ۲۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهنمان که پس از ۴۲۷ روز به دست قوای متجاوز عراق اشغال شده بود، آزاد شد و ...

کد خبر: ۲۰۶۶۵۶ تاریخ انتشار: ۰۷ آذر ۱۳۹۰ - ۱۲:۴۹

سرویس دفاع مقدس - هفتم آذر ماه سال 1360 عملیات طریق‌القدس با رمز «یا حسین(ع)> در غرب سوسنگرد و منطقه عمومی بستان آغاز و به منظور آزادسازی شهر بستان و دسترسی به «هورُ الهویزه> انجام شد. عملیات طریق القدس در چهارده روز با موفقیت کامل به پایان رسید و علاوه بر بستان تا نقطه مرزی چژابه از وجود دشمن بعثی پاک شد.

به گزارش خبرنگار «تابناک>، ویژگی اصلی عملیات طریق القدس، گذشتن از زمین‌های رملی غیر قابل عبور در شمال منطقه عملیاتی بود که سبب غافلگیری دشمن شد. با موفقیت در محور شمالی، موقعیت نیروهای عراقی مستقر در محور جنوبی نیز متزلزل شد و عملیات در این محور هم به پیروزی رسید. در این عملیات همه اهداف تأمین شد.

شهر بستان و تنگه مهم چژابه آزاد شد و پس از گذشت ۴۲۰ روز از آغاز جنگ، رزمندگان توانستند در منطقه عمومی سوسنگرد و بستان در مرز مستقر شوند. همچنین تصرف چژابه سبب شد که اتصال قوای دشمن در غرب کرخه و غرب کارون گسسته شود. به این ترتیب، توان ارتش عراق در جنوب تجزیه شد و زمینه مناسب برای پیروزی عملیات فتح المبین پدید آمد.

با فتح شهر بستان، نزدیک ۲۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهنمان که پس از ۴۲۷ روز به دست قوای متجاوز عراق اشغال شده بود، آزاد و خطوط تدارکاتی و ارتباطی دشمن در منطقه غرب قطع و راه فتح بخش اشغالی خرمشهر به دست رزمندگان اسلام گشوده شد.

عملیات طریق القدس تجلی‌گاه بارز حضور نیروهای مردمی در جبهه‌های جنگ بود که به دنبال پاکسازی جبهه انقلاب از عناصر ضد انقلاب به منصف ظهور رسید. این عملیات تجلی قدرت مردم و نتیجه حضورشان در میدان نبرد بوده و پیروزی در این عملیات، نشان دهنده درستی این روش خاص در سازماندهی نیروها بود.

از سویی، با حذف بنی صدر، تلاش برای دستیابی به سیستمی تلفیقی از مهارت‌های کلاسیک و توانایی‌های جنگ چریکی و مردمی شکل می‌گیرد که در نتیجه شکستن حصر آبادان، مشوق خوبی برای برادران سپاه و ارتش بود و ادامه آن در عملیات طریق القدس با حضور نیروهای مردمی به خوبی نشان دهنده این مطلب بود، به گونه‌ای که استعداد نیروهای شرکت کننده برای فتح منطقه‌ای چند برابر منطقه عملیاتی تامن الائمه، فقط از منبع اصلی نیروهای انقلاب یعنی مردم تأمین شد.

پاسخ امام به تلگرام رئیس‌جمهور و رؤسای نیروهای مسلح پس از پیروزی عملیات طریق القدس: آنچه برای اینجانب غرورانگیز و افتخارآفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان که سربازان حقیقی ولی‌الله‌العظم ارواحنا فداه هستند، می‌باشد و این است فتح الفتوح. من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع قبل از آنکه پیروزی شرافتمندانه و بزرگ خوزستان (2) را تبریک بگویم، وجود چنین رزمندگانی را که در دو جبهه معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان سرفراز بیرون آمده‌اند، تبریک می‌گویم.

مبارک باد بر کشور عزیز ایران و بر ملت شریف، رزمندگانی چنین قدرتمند و عاشقانی چنین محو جمالی ازلی و سربازانی چنین دل‌باخته دوست که شهادت را آرزوی نهایی خود و جانبازی در راه محبوب را آرمان اصیل خویش می‌دانند. افتخار بر رزمندگانی که جبهه‌های نبرد را با مناجات خویش و راز و نیاز با محبوب خود عطرآگین نموده‌اند. فخر و عظمت بر جوانان عزیزی که در راهی قدم برداشته و پاسداری از مکتبی می‌کنند که شکست ناپذیر و سر تا پا پیروزی است و ننگ بر آنان که در راهی جان خود را هدر می‌دهند و عرض و آبروی خود را می‌برند که پیروزی‌شان شکست و زندگی‌شان ننگ‌آفرین است.

عملیات طریق القدس به روایت فرماندهان دفاع مقدس:

ما برای عملیات طریق القدس طی دو بار به منطقه رفتیم، در مرحله اول به چگونگی طرح‌ریزی عملیات و شرح قرارگاه‌ها و تشکیل آنها پرداختیم و در مرحله دوم طی 48 ساعت، بخش‌هایی از عملیات را با یک ترکیب ناقص بررسی کردیم و بنابراین، الان از نفرات جدیدی به همراه برخی از برادرانی که قبلاً هم با ما بودند، دعوت کردیم تا بتوانیم مرحله آخر کار را با دقت بیشتری بررسی کنیم.

برادران سپاه نیز فردا به ما ملحق می‌شوند. بعضی‌ها می‌گویند ما که در عملیات بودیم، یک کالک زده شود و در همین اتاق آن را بررسی کنیم. این کافی نیست. باید رفت و صحنه را دید. هرچند صحنه مثل قبل نیست، ولی باز هم همان عوارض طبیعی، سر جای خودش است و این ما را کم می‌کند و بعد هم خود برادران باید فرصتی پیدا کنند که احساس کنند، ید واحد هستند تا حقایق را عریان کنیم.

این مسائل بود که ما را وادار کرد چنین کنیم. به خاطر یکپارچگی باید لباس نظامی بپوشیم و کاری هم به مسئولیت و شغل نداریم و برادرانه برای برداشت به صحنه می‌رویم. مقطع اجرای عملیات طریق القدس، حساس بود. در زمانی که جبهه، دوران رکود را پشت سر گذاشته بود، از نتیجه حضور بنی صدر ملعون و خائن، ضرباتی را به خاطر عدم تمرکز قوا متحمل شدیم. روحیه تزیق نشده بود. بین حضور نهاد انقلابی سپاه و ارتش جمهوری اسلامی، شکاف ایجاد شده بود و کسی این شکاف را پر نکرده بود.

در این مقطع کوتاه، زمانی که بنی صدر فراری شد، بین سپاه و ارتش پیوند برقرار شد. بعد، محاصره آبادان شکسته شد و این نقطه امید بسیار مهمی در جبهه برای رزمندگان اسلام بود تا خود را باور کنند. من در کردستان بودم که مأموریت تمام شد. در حال آزادسازی بوکان بودیم و در شب آزادسازی بود که اعلام شد ما فرمانده نیروی زمینی ارتش شدیم. (پس از پایان مأموریت) به سرعت به منطقه جنوب آمدیم در فرصتی کوتاه، ما قرارگاه‌ها را در جبهه یکی کردیم. قرارگاه کربلا. قرارگاه سپاه در گلف و قرارگاه ما در مجتمع فولاد بود که در زرگان تشکیل شد. البته قرارگاه تاکتیکی هم داشتیم. قرارگاه سپاه در منطقه بدریه بود و قرارگاه ما در پشت تپه‌های الله اکبر از ارتش 2 لشکر 92 زرهی و 16 زرهی مستقیم وارد صحنه شدند و سازمان گرفتند. لشکر 92 در بالای رودخانه کرخه به عنوان نقطه تلاش اصلی و جنوب کرخه هم به عنوان نقطه تلاش پشتیبانی تعیین شد.

در تلاش اصلی، از نیروی زمینی حداکثر استفاده را بردیم و به برکت مجاهدت جهادگران که جاده 9 کیلومتری را به سختی احداث کردند، موفق شدیم این جاده یکی از کلیدهای پیروزی بود و بعد از این که ما عملیات کردیم، فهمیدیم که دشمن متوجه نشده بود ما چنین استفاده‌ای از این جناح کرده‌ایم. رزمندگان از اصل غافلگیری به خوبی بهره بردند. در شب اول، 18 کیلومتر تا نزدیکی بستان پیشروی شد. سردار جعفری فرمانده یک محور بود، صبح به بدریه آمده بود و می‌گفت اوضاع خیلی برای عبور آماده است، منتها نیرو نداریم عملیات در قسمت بالا ادامه یافت. ما فهمیدیم دشمن در جنوب رودخانه سابله باقی مانده است و یک تیپ از لشکر 77 برای تقویت این جناح فرستاده شد. دشمن به خاطر فشاری که بر او وارد شده بود، خودش عقب‌نشینی کرد و رفت زیر رودخانه نیشان مرحله آخر پیشروی‌مان از پایین به سمت هور بود و از بالا، تنگه‌ی چزابه را گرفتیم.

مرحوم سرتیپ قاسمعلی ظهیر نژاد:

از فرماندهان عالی ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس: عملیات طریق القدس یکی از محورهای مهم ارتباط زمینی لشکریان عراق را که در دشت خوزستان بین کرخه و کارون مستقر هستند، از قسمت شمال غربی قطع نموده و یک مزیت نظامی را از عراق سلب نمود، به طوری که اگر دشمن بخواهد از طریق العمارة نیرویی را به دشت خوزستان وارد کند، باید منطقه‌ای به نام هورالعظیم را که باتلاق عظیمی است، دور بزند و از داخل خاک خودش یعنی العمارة - جلفائیه، قلعه صالح و علی غربی عبور کند.

به همین دلیل، دشمن مجبور می‌شد از نزدیکی‌های بصره و از طریق طلائیه و شلمچه وارد خاک ما شود که این مسافت حداقل سه برابر می‌گردد؛ بنابراین، مسیر شلمچه و جفیر و بخش اشغالی خرمشهر تا منطقه فکه را که دشمن به راحتی در خاک ما ایجاد نموده بود، از دست داده و این مزیت مهم نظامی از آنها سلب شد.

دکتر محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران دفاع مقدس:

مهمترین هدف در این عملیات فعالیت‌های رزمی پیاده بود. این نیروها با ترکیب و هماهنگی اصولی با نیروهای زرهی زمینی به صورتی وارد صحنه نبرد می‌شوند که دشمن را غافلگیر و متلاشی می‌کنند.

از طرف دیگر در طرحی که برای حمله طریق القدس در نظر گرفته شده بود، رده‌های دوم و سوم دشمن در عمق، همزمان با خط مقدم مورد حمله نیروهای ما قرار می‌گرفت و دشمن فرصت حرکت دادن و جا به جایی نیروهای مستقر در عمق خطوط خود را پیدا نمی‌کرد

که این مهم به نحو احسن در محور شمال کرخه انجام شد. بالاخره یکی از مسائل مهم در عملیات مسأله انهدام نیروهای پاتک کننده دشمن بود که این مسأله در تمام حمله‌های بزرگ ما مورد نظر بوده و با موفقیت به آن عمل شده است. در واقع یکی از دلایل موفقیت‌ها و تثبیت پیروزی‌های ما همین اجرای این طرح‌های ضد پاتک در ضمن عملیات بوده است. با اجرای این طرح‌ها دشمن چنان در عمق منهدم می‌گردید که توان هر گونه پاتک تا مدت‌ها از او سلب و زمان کافی برای تثبیت دایمی برای نیروهای خودی فراهم می‌گردید.

سردار غلامعلی رشید

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران: عملیات طریق‌القدس اولین عملیاتی بود که رزمندگان اسلام به مرزهای بین‌المللی می‌رسیدند و این شایبه وجود داشت که در صورت تعقیب دشمن در خاک عراق، دشمن اقدام به تبلیغات علیه جمهوری اسلامی نماید.

به پیشنهاد برادر شمخانی و اینجانب، نامی که خواسته همه مسلمانان بود، یعنی طریق‌القدس بر عملیات نهاده شد. شهید حسن باقری، علاوه بر مسئولیت اطلاعات عملیات در جنوب، جانشین اینجانب به عنوان مسئولیت عملیات جنگ در این نبرد بود. این عملیات، دومین عملیات مشترک و گسترده‌ای بود که توسط رزمندگان اسلام و به صورت فرماندهی مشترک انجام می‌گرفت که از سوی ارتش شهید منفردنیایی و نیز سپاه اینجانب فرماندهی عملیات را به عهده گرفتیم. در این عملیات، سه تیپ ارتش با سه تیپ سپاه به صورت ادغامی عمل کردند. البته با شروع عملیات، سپاه دو تیپ دیگر نیز به صحنه نبرد آورد که در عملیات شرکت کردند.

شب از نیمه گذشت و سی دقیقه بامداد ۸ آذر سال ۱۳۶۰ رمز عملیات با نام مبارک یا حسین(ع) از سوی اینجانب به واحدهای عمل کننده اعلام شد. در قرارگاه، در حالی که در کنار برادر محسن رضایی نشسته بودم و شهید باقری نیز حضور داشت و دوربین این لحظه تاریخی را ثبت و ضبط می‌کرد، اعلام کردم: بسم الله الرحمن الرحیم، اینجانب رشید بنا به دستور فرمانده کل سپاه، کلمه رمز عملیات را به واحدهای عمل کننده اعلام می‌کنم: از رشید به کلیه واحدها، یا حسین.

شهید حسن باقری که بعدها در نقش یک استراتژیست و نظریه پرداز فهیم نظامی ظهور کرد، در این عملیات با تیزهوشی و درایت یک فرمانده بزرگ اما با تواضع و فروتنی که در شأن یک انسان بزرگ است، به اینجانب در هدایت و فرماندهی عملیات کمک می‌کرد.

در روز سوم یا چهارم عملیات بود که برای سرکشی به تیپ ۲۵ کربلا به فرماندهی برادر مرتضی قربانی که پل سابل را تصرف کرده بود و باعث قطع ارتباط شمال جنوب دشمن شده بود، رفت. شب بود و همه جا تاریک و دشمن نیز در ۲ کیلومتری جنوب پل سابل هنوز مقاومت می‌کرد. او در همین مسیر به شدت مجروح شد و از ناحیه سر آسیب دید. ناگزیر به عقب انتقال یافت و سر از بیمارستان درآورد.

وقتی شنیدم که مجروح شده سخت نگران شدم. در حالی که روی تخت بیمارستان بود، تماس گرفت و اوضاع عملیات و آخرین وضعیت را جویا شد. آن قدر به کمک او نیازمند بودم که گفتم: اگر می‌توانی با همین وضعیت کمک کنی، خودت را به قرارگاه برسان. او با شجاعت و مردانگی و سعه صدر برخاست و در حالی که هنوز سر او باندپیچی بود، به قرارگاه آمد. در حالی که به رغم کسالت شدید، نیاز به استراحت داشت، همکاری و معاونت را با روحیه‌ای باز بر عهده گرفت.

برای اجرای عملیات طریق‌القدس، او معتقد بود که علاوه بر فرماندهان تیپ و گردان، فرمانده گروهان و دسته نیز باید کاملاً نسبت به طرح مانور توجیه شوند، به نحوی که با تمام گردان‌ها تا رده دسته جلسه توجیهی گذاشت. هنگام عملیات هر گردان دقیقاً می‌دانست چگونه باید عمل کند تا به هدف برسد. در این عملیات نیز متأثر از تدبیر و ابتکار و خلاقیت او در امر اطلاعات، شناسایی دقیق از وضعیت و توانایی دشمن و تأثیر آن در مانور عملیات و چگونگی انجام نبرد، دشمن در محور شمالی کاملاً غافلگیر شد و رزمندگان اسلام با استفاده از تاکتیک ویژه (مانور تک احاطه‌ای یک طرفه) در همان دقایق اولیه با تک سریع و غافلگیر کننده، سر از تنگه درآوردند.

بدین ترتیب، عقبه دشمن در شمال کرخه بسته شد و در حقیقت، رده‌های دوم و سوم دشمن در عمق دور زده شدند. متأثر از این تاکتیک، ۱۹ قبضه توپ سنگین ۱۵۲ میلی متری به محاصره رزمندگان اسلام درآمد و فقط فرمانده تیپ موفق به فرار شد و مقر تیپ ۲۶ زرهی که فرماندهی جبهه شمالی منطقه عملیات را در نزدیکی شهر بستان بر عهده داشت، به تصرف درآمد. البته در این محور، قوی‌ترین یگان سپاه یعنی تیپ امام حسین(ع) با کادر قوی و کارآمدی چون شهید حسین خرازی، شهید عباس کردآبادی، شهید احمد فروغی و شهید مصطفی ردانی‌پور در دو محور به استعداد ۲ تیپ در کنار یک تیپ ارتش حرکت کردند. از درون رمل‌ها روانه چزابه و بستان عقبه دشمن شدند و توانستند به خوبی و قدرتمندانه عقبه دشمن را ببندند.

برادر رحیم صفوی نیز در همین محور، با تمایل خودش و علاقه وافری که بین ایشان و رزمندگان یگان امام حسین(ع) بود، بر عملیات در نیمه شمالی کرخه نظارت می‌کرد و هدایت عمومی عملیات را در نیمه شمالی کرخه بر عهده داشت. تلاش شجاعانه ایشان و شهدای عملیات بود که در ساعت ۹ صبح روز ۸ آذر ۱۳۶۰ باعث آزادی بستان و محاصره کامل دشمن شد.

در هفته اول، ۶۰ درصد منطقه عملیاتی از جمله بستان آزاد شد و دشمن در نیمه جنوبی کرخه بین رودخانه ساپله و نیسان همچنان مقاومت می‌کرد. در نیمه جنوبی، استعداد دشمن تقریباً دو برابر استعداد نیمه شمالی بود. در این بخش از منطقه عملیات، دشمن سه تیپ زرهی، یک تیپ مکانیزه و دو تیپ پیاده داشت که از قرارگاه فرماندهی لشکر ۶ زرهی در غرب جفیر (در حاشیه هورالهوریزه و جنوب هویزه) هدایت، کنترل و فرماندهی می‌شدند.

دشمن در برابر مقاومت رزمندگان اسلام، قدرت ایستادگی در نیمه جنوبی را در خود ندید و وقتی درک کرد که فرماندهی جبهه ایران طرح‌ریزی خود را آماده کرده و قصد عملیات و انهدام باقی‌مانده نیروی دشمن را دارد، برای اولین بار اقدام به عقب نشینی کرد. به این ترتیب، شمال رودخانه نیسان و در حقیقت نیمه جنوبی منطقه عملیات طریق‌القدس را زیر فشار خردکننده رزمندگان اسلام رها کرد و در جنوب کرخه کور مستقر شد.

بدین ترتیب عملیات طریق‌القدس با پیروزی کامل به پایان رسید؛ در حالی که دشمن در نیمه دوم آذر ماه ۱۳۶۰ از مقابل ساپله عقب نشینی کرد و شهید حسن باقری در صحنه تعقیب دشمن حضور داشت. این عملیات، نخستین عملیاتی بود که در آن به مرزهای بین المللی دست یافتیم. ویژگی سیاسی و نظامی این عملیات، حضور نیروهای مردمی و بسیج و عبور از رمل با تک احاطه‌ای یک طرفه که بخش اعظم پیروزی عملیات برگرفته از این تاکتیک ویژه بود.

در سالروز حماسه بزرگ طریق‌القدس و فتح شهر بستان، به رزمندگان این عملیات افتخار آفرین درود می‌فرستیم و برای شهدای آن علو درجه آرزو می‌کنیم.